

The Relationship between Political Connections and Agency Costs Considering the Moderating Role of Audit Quality

Ali Reza Ma'toufi¹, Matineh Mehrparvar²

Received: 2019/01/04

Accepted: 2019/05/01

Abstract

Although establishing and retaining the relation with government are usually subject to acquiring the competitive but in markets with poor regulatory frameworks, this relationship can lead to the agency problem and costs associated with it. So, the purpose of the present research is the study of the relationship between the political connections and the agency costs due to the moderating role of audit quality in listed companies in Tehran Stock Exchange between the years 2013 to 2017. In order to conduct this research, a sample consisting of 128 companies was selected. The hypothesis of this research were tested by using multi-variable regression and implementing Panel Data technique. The findings demonstrated that there is a significant relationship between political connections and agency costs, and also audit quality modifies the relationship between political connections and agency costs.

Keyword: Agency Costs, Audit Quality, Political Connections.

JEL Classification: M41, M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.23995.1476

¹ Assistant Professor of Accounting, Islami Azad University, Gorgan Branch, Gorgan, Iran.

Corresponding Author (Alirezamaetoofi@gmail.com)

² MSc of Accounting, Golestan Institute of Higher Education, Gorgan,

Iran.(matina1371.meh@gmail.com)

رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی

علی‌رضا معطوفی^۱، متینه مهرپرور^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

مدیران، با هدف کسب مزیت‌هایی برای بنگاه تحت مدیریت خود، معمولاً به برقراری و حفظ ارتباط با دولت می‌پردازند، اما در بازارهای با چارچوب‌های نظارتی ضعیف این رابطه می‌تواند منجر به مساله نمایندگی و هزینه‌های مرتبط با آن شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت‌ها، با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. برای این منظور، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب گردید و با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر تکنیک داده‌های تابلویی، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهند بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، هزینه نمایندگی، کیفیت حسابرسی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42

DOI: 10.22051/ijar.2019.23995.1476

^۱ استادیار گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، (نویسنده مسئول)،
(Alirezamaetoofi@gmail.com)

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران، (matina1371.meh@gmail.com)

مقدمه

افزایش مدیران و اعضای هیأت‌مدیره با ارتباطات سیاسی در بنگاه‌ها، در اقتصادهای در حال-توسعه و نوظهور، توجه بسیاری از پژوهشگران را در خصوص تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد شرکت به خود جلب کرده‌است (دینگ و همکاران، ۲۰۱۵). مدیر و اعضای هیأت‌مدیره با روابط سیاسی، قدرتمند به‌نظر می‌رسند، زیرا مزایای فراوانی را به‌واسطه ارتباط با افراد سیاسی، برای شرکت فراهم می‌کنند. همچنین، آنها می‌توانند با استفاده از قدرت سیاسی خود جایگاه‌شان را تقویت کرده و بر عملکرد شرکت نیز تأثیر بگذارند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

پژوهش‌های پیشین با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد و ارزش شرکت (لی و همکاران، ۲۰۱۸؛ ملول و همکاران، ۲۰۱۸؛ بنچیک و تکتک، ۲۰۱۷؛ سعید و همکاران، ۲۰۱۶)، ارزش و سطح وجه نقد نگهداشته شده (کاسندی و وی، ۲۰۰۸)، دسترسی به منابع مالی (کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸)، نرخ مالیات (آدیکاری و همکاران، ۲۰۰۶)، هزینه بدهی و سرمایه (بلیس و گال، ۲۰۱۲؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲) و کیفیت گزارشگری مالی (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)، حاکی از منافع و هزینه‌های ارتباطات سیاسی برای شرکت‌ها است.

از دیدگاه منافع، ارتباطات سیاسی می‌تواند منابعی را برای بنگاه فراهم آورد. براین اساس ارتباطات سیاسی قادر است از طریق تسهیل در قوانین مالیاتی، فراهم آوردن کمک‌های مالی و تأمین مالی راحت، منافی را برای شرکت به‌همراه داشته باشد (فاسیو و همکاران، ۲۰۰۶؛ کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸؛ بلیس و گال، ۲۰۱۲؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). در نقطه مقابل، منتقدان معتقدند سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران اغلب محیط بنگاه را نامطمئن کرده و هزینه مبادلات را برای سازمان‌های تجاری افزایش می‌دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد شرکت‌های دارای روابط سیاسی، دارای هزینه‌سرمایه پایینی هستند (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲)، به قراردادهای دولتی سودآور دسترسی دارند (گلدمن و همکاران، ۲۰۱۳)، قوانین و مقررات کمتر در کسب و کار آنها مانع ایجاد کرده است (گلدمن و همکاران، ۲۰۱۳)، تحت بازبینی و نظارت کمتری قرار دارند (فاسیو، ۲۰۰۶)، مالیات کمتری می‌پردازند (فاسیو، ۲۰۰۶، حسن و همکاران، ۲۰۱۲) و در نهایت، با رقابت و فشار کمتری از طرف بازار مواجه هستند (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، از آنجایی که روابط

سیاسی منجر به فعالیت‌های رانت‌جویانه (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۰۶) و مدیریت سود می‌گردد (چانی و همکاران، ۲۰۱۱)، بنابراین به ضرر منافع سهامداران اقلیت است.

جانسن و میتن (۲۰۰۳) در پژوهش خود دریافتند، بنگاه‌ها با ارتباطات سیاسی، کارایی پایینی را تجربه می‌کنند. به‌طور مشابه، مطالعات دیگر نشان می‌دهند، بنگاه‌ها با ارتباطات سیاسی، ممکن است بخشی از منابع خود را صرف افراد و عوامل ایجاد کننده روابط سیاسی بنگاه نمایند که این امر می‌تواند منافع حاصل از روابط سیاسی را کاهش دهد (فن و همکاران، ۲۰۰۷؛ فاسیو، ۲۰۱۰). بلیس و گال (۲۰۱۲) بیان می‌کنند شرکت‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های استقراض بالاتری را تجربه می‌کنند و این در حالی است که بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند، روابط سیاسی با کاهش هزینه‌های استقراض بنگاه، همراه است. همچنین، فاسیو (۲۰۰۶) معتقد است، روابط سیاسی می‌تواند منجر به هزینه‌های نمایندگی بالا، به‌ویژه در اقتصادهای با چارچوب قانونی ضعیف شود. خان و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند، بنگاه‌های دارای روابط سیاسی، هزینه‌های نمایندگی بالاتری را نسبت به بنگاه‌های فاقد این ارتباط تجربه می‌کنند. اگرچه شرکت‌ها می‌توانند بر سیاست‌گذاران تأثیر گذاشته و هزینه‌های کسب‌وکار را از طریق حفظ سیاسیون کاهش دهند (کو و همکاران، ۲۰۱۷)، اما اعضای هیئت‌مدیره و مدیران با روابط سیاسی، می‌توانند با دریافت مزایا و امتیازات از بنگاه، منافع بالقوه روابط سیاسی را برای بنگاه کاهش دهند (برتراند و همکاران، ۲۰۱۸).

در بنگاه‌هایی با سیستم حاکمیت شرکتی ضعیف و فاقد نظارت‌های بیرونی، حسابرسی خارجی می‌تواند به‌عنوان سازوکاری برای نظارت خارجی بنگاه عمل کند (فن و وانگ، ۲۰۰۵). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، حساب‌برسان بزرگ خدمات حسابرسی با کیفیتی به مشتریان خود ارائه می‌کنند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱). کیفیت حسابرسی، هزینه نمایندگی بنگاه‌های دارای روابط سیاسی را کاهش می‌دهد. به‌عبارتی، کیفیت حسابرسی می‌تواند مشکل نمایندگی را از طریق اعمال نظارت‌های خارجی برای بنگاه‌ها با روابط سیاسی، کاهش دهد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در اقتصادهای نوظهور به‌جهت مشخصه‌هایی از قبیل ضعف سیستم قانونی، حمایت ضعیف از حقوق سهامداران اقلیت، مالکیت‌های خانوادگی گسترده و محدودیت حضور سهامداران عمده، معمولاً ارتباطات سیاسی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر رفتار بنگاه‌ها دارند (ماتاकिन و همکاران، ۲۰۱۵). مانند بسیاری از اقتصادهای نوظهور، ایران نیز از مدل حاکمیت شرکتی به سبک

کشورهای توسعه یافته اقتباس کرده است که مستلزم وجود اعضاء غیرموظف بیشتر در هیئت مدیره و جدایی مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره است، اما کارایی حاکمیت شرکتی می تواند به دلیل محیط نظارتی ضعیف، در معرض خطر قرار گیرد (آدین و چاندهاری، ۲۰۰۸). بنابراین، این پرسش مطرح می شود، آیا کیفیت حسابرسی تأثیر معنادار بر رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی شرکت دارد؟

مطالعه ادبیات پژوهشی کشور در این حوزه، فقدان پژوهش های کاربردی که به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به اثر تعدیلی کیفیت حسابرسی پرداخته باشند، را نشان می دهد. بنابراین، پژوهش حاضر در نظر دارد با بررسی موضوع، ضمن کمک به کاهش شکاف اطلاعاتی موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مفیدی را در اختیار سایر پژوهشگران برای تحقیقات آتی، قرار دهد.

مبانی نظری

اقدامات دولت ها در راستای ملی کردن بنگاه ها منجر به محدود شدن مالکیت بخش خصوصی در صنایع می شود؛ اگرچه خیلی زود، اغلب بنگاه های ملی شده به جهت فقدان مدیران با کیفیت زیان ده می شوند. این اتفاق به همراه تغییر در دولت ها و فشار موسسات مالی مثل بانک جهانی برای شفافیت بیشتر و اقتصاد بازار آزاد، منجر به اتخاذ سیاست خصوصی سازی شده است (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار، فرآیند خصوصی سازی شفاف نبوده و منجر به خرید بخش زیادی از صنایع با مالکیت دولتی توسط اشخاص می شود (آدین و هاپر، ۲۰۰۳؛ بانک جهانی، ۲۰۰۹). بنابراین، این سیاست موجب شکل دهی ساختار مالکیت صنعتی جدیدی در اقتصاد می شود. در حالی که بسیاری از مالکین جدید کسب و کار خود را شروع می کنند، همزمان گروه های جدیدی که از حمایت های دولتی بهره مند هستند نیز شروع به شکل گیری می کنند. معمولاً رهبران این شکل جدید مدیریتی در سیاست فعال هستند و موفقیت شان اغلب وابسته به شبکه ارتباطات سیاسی است که ایجاد کرده اند (کوچانک، ۱۹۹۶).

این الگو از توسعه کارآفرینی، تأثیر اساسی بر الگوی صنعتی سازی اقتصاد داشته و ظهور جامعه تجاری در قالب فرآیندهای سیاسی را به همراه دارد. به عنوان مثال، در سال های اخیر تعداد قابل

توجهی از بازرگانان بنگلادش را افراد مرتبط با دو حزب اصلی این کشور به خود اختصاص داده است؛ به طوری که، در پارلمان نهم بنگلادش ۵۹ درصد از نمایندگان بازرگان بوده و ارزش دارایی‌های آنها حداقل ۱۰ میلیون دلار برآورد شده است (چادهاری، ۲۰۰۹).

در چنین شرایطی سیاست‌یون تمایل به برقراری ارتباط نزدیک با کسانی دارند که به دنبال کسب رانت و فساد مالی هستند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، سیاست‌یون، مدیران دولتی و خانواده‌های تاجر ثروت‌مند، اغلب تمایل به نزدیک شدن به یکدیگر برای شکل دادن مثلث قدرت، از طریق ایجاد فساد و وابستگی متقابل دارند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). خان و همکاران (۲۰۱۶)، وانگ و همکاران (۲۰۱۷) و لی و وانگ (۲۰۱۷) بیان می‌کنند، بسیاری از فعالان صنعتی دارای روابط سیاسی، متهم به دست داشتن در بی‌نظمی‌های مالی هستند که منجر به عدم بازگشت حجم زیادی از تسهیلات دریافتی از بانک‌های دولتی شده است. بسیاری از دریافت‌کنندگان این تسهیلات به طور مستقیم و غیرمستقیم دارای ارتباطات سیاسی بوده و در زمان انتخابات کمک‌های مالی به سیاست‌یون کرده‌اند. همچنین، گزارش شفافیت بین‌المللی (۲۰۰۰) نشان می‌دهد، ۷۰ درصد وام‌گیرندگانی که تسهیلات خود را بازپرداخت نکرده‌اند، از ارتباطات سیاسی جهت اخذ تسهیلات بانکی، استفاده کرده و بین یک تا پنج درصد از تسهیلات را به عنوان رشوه، پرداخت کرده‌اند. بنابراین، ارتباطات سیاسی به عنوان پیش شرط موفقیت کسب و کار در کشورهای در حال توسعه و نوظهور، در صورت فقدان نظارت‌های کافی و محیط قانونی قوی، تلقی می‌شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی

از دیدگاه وابستگی عملکرد بنگاه به منابع، مزیت رقابتی بنگاه، به مالکیت آن بر منابع کلیدی که رقا در به دست آوردن آن با مشکلات زیادی مواجه هستند، بستگی دارد (ففر و سالانسیک، ۲۰۰۳). ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان یک منبع نامشهود با ارزش، برای کسب حمایت‌های دولتی استفاده شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). بانک‌انوانیچا و ویواتاناکانتانگ (۲۰۰۸) بیان می‌کنند، ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد برای اعمال نفوذ سیاسی مالکین کسب و کارهای بزرگ که به شدت به قراردادهای دولتی نیاز دارند، تلقی شود. بنابراین،

سیاسیون بعد از رعایت جوانب احتیاط، می‌توانند از قدرت سیاسی خود در جهت تأثیر بر سیاست‌گذاری‌ها به نفع کسب و کارشان، استفاده نمایند (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

در اقتصادهایی که درجه بالایی از عدم اطمینان در سیاست‌گذاری دولت وجود دارد و ابزارهای اجرای قانون ضعیف است، روابط سیاسی می‌تواند به‌عنوان جایگزینی برای دادگاه‌های کارآمد و حاکمیت قوی قانون (که بنگاه‌ها در اقتصادهای پویا به آن نیاز دارند)، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، احتمالاً بنگاه‌ها، به‌ویژه در اقتصادهای نوظهور، نسبت به انتصاب سیاسیون در هیئت‌مدیره خود به‌عنوان منبع دسترسی به شبکه‌های انسانی مشتمل بر افراد شاغل در پست‌های کلیدی دولتی، اقدام می‌کنند. این اقدام می‌تواند بنگاه را در موقعیتی قرار دهد که بر مقررات دولتی تأثیر گذاشته و یا از تغییرات قریب‌الوقوع قوانین، بهره‌برداری نماید (اگر و آل و نابر، ۲۰۰۱). ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد ارتباطات سیاسی منافی از قبیل دسترسی آسان به منابع خارجی (کال و همکاران، ۲۰۱۵؛ کلاسنس و همکاران، ۲۰۰۸؛ خوآجا و میان، ۲۰۰۵؛ جانسن و میتن، ۲۰۰۳) و کاهش در مالیات و هزینه‌ها (عباس و همکاران، ۲۰۱۷؛ عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ وو و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۱۰)، را برای بنگاه به همراه دارد که نهایتاً عملکرد بنگاه را افزایش می‌دهد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

با استفاده از نظریه وابستگی به منابع، هیلمن (۲۰۰۵) بیان می‌کند، ارتباطات سیاسی اعضای هیئت‌مدیره می‌تواند عدم اطمینان حاصل از محیط خارجی بنگاه را به‌وسیله دریافت مشاوره و اطلاعات اختصاصی، دسترسی آسان به منابع و بهره‌مندی از تبصره‌ها و تخفیف‌های قانونی کاهش و احتمال بقاء بنگاه و عملکرد آن را افزایش دهد. آدیکاری و همکاران (۲۰۰۶)، نشان دادند بنگاه‌هایی با ارتباطات سیاسی نرخ‌های موثر مالیات کمتری را نسبت به سایر بنگاه‌ها پرداخت می‌کنند. وو و همکاران (۲۰۱۲)، با بررسی اقتصادهای نوظهور دریافتند مدیران با ارتباطات سیاسی عملکرد بهتری نسبت به مدیران بدون این نوع از ارتباط، دارند. بر این اساس، مزیت ارتباطات سیاسی در دوران بحران مالی آسیا، مشهود بود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). گال (۲۰۰۶) بیان می‌کند، با وقوع بحران مالی آسیا بسیاری از شرکت‌ها شروع به از دست دادن ارزش شرکت خود کردند و این درحالی بود که بنگاه‌ها با ارتباطات قوی سیاسی با حزب حاکم، توانستند با تزریق نقدینگی خود را نجات دهند.

با وجود مزایای محتمل روابط سیاسی که در ادبیات پژوهش به آن اشاره شده است، محیط سازمانی بنگاه تمایل به تأثیر بر هزینه‌های نمایندگی دارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۴) بیان می‌کنند، سیاسیون تلاش می‌کنند بر یارانه‌ها تأثیر بگذارند، در حالی که شرکت‌ها با استفاده از رشوه به دنبال تأثیر بر سیاسیون هستند. این موضوع در مورد بازرگانانی که به دنبال کسب موقعیت در تشکیلات دولتی به منظور استفاده از خلع‌های موجود در سازمان و کسب منافع در تجارت هستند، نیز صدق می‌کند (بارتل و برادی، ۲۰۰۳).

با توجه به آنکه بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی نوعاً به دنبال کسب سود از روابط خود هستند، ممکن است با مخفی‌کاری، عمداً موجب اشتباه سرمایه‌گذاران شوند (لوز و آبرهالزر-جی، ۲۰۰۳) و با تأثیر بر کنترل‌های داخلی، منافع سهامداران اقلیت را به خطر اندازند (لاپرتا و همکاران، ۲۰۰۰). از آنجایی که بازرگانان دارای ارتباطات سیاسی بیشتر به فساد مالی و نقض قوانین مالی مبادرت می‌کنند، بنابراین بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی بیشتر، مستعد ریسک مصادره و افزایش هزینه‌های نمایندگی هستند (آلام و تیچر، ۲۰۱۰). مدیران در این بنگاه‌ها ممکن است قادر به سوءاستفاده از دارایی‌ها، مبادلات مشکوک حزبی و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده و در جهت منافع شخصی خود باشند.

همچنین بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی، کارایی پایین‌تری را تجربه می‌کنند (جانسن و میتن، ۲۰۰۳). در بازارهای با چارچوب قانونی ضعیف، مدیران با احتمال بیشتری اقدام به استفاده از ارتباطات سیاسی در جهت توسعه منافع شخصی خود به هزینه سهامداران اقلیت می‌کنند (فاسیو، ۲۰۰۶). با توجه به موارد فوق، می‌توان ادعا کرد بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه‌های نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند. بنابراین، فرضیه اول پژوهش عبارتست از:

فرضیه اول پژوهش: بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند.

کیفیت حسابرسی، ارتباطات سیاسی و هزینه‌های نمایندگی

کیفیت حسابرسی می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی در کاهش تأثیر ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی محسوب شود. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است، حسابرس تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی را بررسی و گزارش خواهد کرد. شرکت‌های حسابرسی توان فراهم

آوردن خدمات حسابرسی با کیفیت را دارند، زیرا آنها امکان سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های بروز حسابرسی و استخدام افراد با تجربه را دارند (فاسیو، ۲۰۱۰). شرکت‌های حسابرسی که قادر به ارائه خدمات حسابرسی با کیفیت هستند، جزء شرکت‌های حسابرسی بزرگ هستند، زیرا برای حفظ حسن شهرت خود تعریفات در گزارش‌های مالی را کشف و گزارش می‌کنند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این، شرکت‌های بزرگ حسابرسی به جهت نگرانی بابت حفظ حسن شهرت خود، در برابر فشار مشتریان مقاومت می‌کنند، کار بیشتری را با حفظ استقلال خود انجام می‌دهند و تعریفات کشف شده حین فرآیند حسابرسی را گزارش می‌نمایند. بنابراین کیفیت حسابرسی را تضمین می‌کنند (دی‌آنجلو، ۱۹۸۱).

کیفیت حسابرسی در بازارهای فاقد محیط‌های نهادی قوی، می‌تواند نقش نظارت بیرونی مهمی را ایفاء نماید (فن و وانگ، ۲۰۰۵). برخلاف اقتصادهای توسعه‌یافته، مالکیت و کنترل بنگاه‌ها در بازارهای نوظهور متمرکز و مبتنی بر سهامداران نهادی است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸). به عبارتی، مسئله اصلی حاکمیت در بنگاه، تضاد منافع بین سهامداران کنترلی و اقلیت است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۸). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۷) معتقدند، تمرکز مالکیت با افزایش سطح کنترل موثر مالک بر بنگاه، موجب تغییر مساله نمایندگی از تضاد مدیر و سهامدار به تضاد مالک کنترلی و سهامدار اقلیت، می‌شود. این شرایط به‌ویژه در بازارهای نوظهور که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار نیستند، با اقدامات منفعت‌طلبانه سهامداران کنترلی، همراه خواهد بود. در چنین محیطی، حسابرسان مستقل خارجی به‌ویژه شرکت‌های بزرگ حسابرسی که استانداردهای حسابرسی بین‌المللی را دنبال می‌کنند و برای ارتقاء تخصص خود تلاش می‌کنند، می‌توانند خلع حاکمیت شرکتی را پر کرده و به‌عنوان یک ناظر قابل اعتماد بر سهامداران کنترلی انجام وظیفه نمایند.

فن و وانگ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، حسابرسان خارجی می‌توانند به‌عنوان ناظران خارجی عمل کرده و هزینه نمایندگی را کاهش دهند. بنابراین، در بازارهای با چارچوب قانونی ضعیف به‌ویژه زمانی که از نسخه‌های غربی حاکمیت شرکتی (که غالباً جنبه تشریفاتی دارد) استفاده می‌شود، کیفیت حسابرسی می‌تواند نقش نظارتی را جهت کاهش مسئله نمایندگی و هزینه‌های مرتبط با آن ایفاء نماید. همچنین، می‌توان انتظار داشت که کیفیت حسابرسی به کاهش هزینه نمایندگی

در بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی کمک نماید. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش عبارتست از:

فرضیه دوم پژوهش: کیفیت حسابرسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع اصلی پژوهش (بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با هزینه نمایندگی)، مطالعات چندانی صورت نگرفته است. بنابراین، در ادامه به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند، اشاره شده است.

ملول و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر ارزش و عملکرد بنگاه، نشان دادند ارتباطات سیاسی، ارزش و عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشد. به عبارتی، علاوه بر مزایا و منافع که شرکت به واسطه روابط سیاسی به دست می‌آورد، تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی جهت بهره‌مندی از مزایای فوق‌الذکر نیز، موجب بهبود ارزش و عملکرد شرکت می‌شود.

برتراند و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان هزینه‌های ارتباطات سیاسی، نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از مزایایی از قبیل دسترسی به منابع دولتی، یارانه‌ها و معافیت‌های مالیاتی بهره‌مند هستند. همچنین، شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی سودآوری کمتری دارند، به‌ویژه زمانی که یک مدیر سیاسی در بنگاه به قدرت می‌رسد.

عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی رابطه ارتباطات سیاسی، حاکمیت شرکتی و سیاست مالیاتی، نشان دادند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نسبت به هم‌تایان خود که دارای روابط سیاسی نیستند، سیاست مالیاتی جسورانه‌تری دارند. همچنین، حاکمیت شرکتی می‌تواند تأثیر ارتباطات سیاسی را بر سیاست مالیاتی جسورانه شرکت، تضعیف نماید.

بنچیخ و تکتک (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد شرکت، نشان دادند ارتباطات سیاسی تأثیر مثبت بر عملکرد شرکت دارد. همچنین، اهرم، سن و دارایی‌های شرکت در افزایش عملکرد بنگاه‌های دارای روابط سیاسی، موثر هستند.

وانگ و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی رابطه توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و گزارشگری مالی متقالبانه، نشان دادند افزایش توانایی مدیریت موجب کاهش ارائه گزارش های مالی متقالبانه می شود، اما ارتباطات سیاسی بنگاه می تواند موجب تضعیف این رابطه شود.

کیم و ژانگ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست مالیاتی شرکت، نشان دادند شرکت های دارای ارتباطات سیاسی به دلیل جریمه های پایین تر مالیاتی، اطلاعات بهتر در مورد قوانین مالیاتی و تغییرات آن دارند. همچنین، این شرکت ها به واسطه فشار کمتر بازار برای شفافیت و ریسک پذیری بیشتر به پشتوانه روابط سیاسی، سیاست مالیاتی جسورانه تری را دنبال می کنند.

خان و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی ارتباط بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی، نشان دادند شرکت های دارای روابط سیاسی نسبت به همتایان خود که دارای روابط سیاسی نیستند، هزینه های نمایندگی بالاتری دارند و بین ارتباطات سیاسی و هزینه های نمایندگی شرکت ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین کیفیت حسابرسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می کند.

کال و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با بررسی رابطه بین ارتباطات دولتی و محدودیت های مالی، نشان دادند در شرکت های با روابط دولتی، بنگاه با محدودیت های مالی و وابستگی کمتر به جریان وجوه نقد داخلی برای تأمین مالی سرمایه گذاری ها، مواجه است.

بلیس و گال (۲۰۱۲) در پژوهشی با بررسی ارتباط بین روابط سیاسی و هزینه بدهی، نشان دادند از دید بازار سرمایه و شرکت های حسابرسی، شرکت های دارای ارتباطات سیاسی ریسک بیشتری نسبت به سایر شرکت ها دارند. این شرکت ها به طور عمده هزینه بدهی بالاتر، گزارشگری زیان بیشتر و حقوق صاحبان سهام منفی بیشتری دارند و بیشتر توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی می شوند.

بویکری و همکاران (۲۰۱۲) طی پژوهشی با بررسی هزینه سهام عادی شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، نشان دادند شرکت های دارای ارتباطات سیاسی، هزینه سهام عادی پایین تری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند.

رهنمای رودپشتی و محسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با بررسی ارتباطات سیاسی، سود نقدی و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین ارتباطات سیاسی و سود نقدی سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، با افزایش ارتباطات سیاسی، سود نقدی تقسیمی افزایش می‌یابد. همچنین، یافته‌های پژوهش بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین ارتباطات سیاسی و بازده سهام است. به عبارتی، با افزایش ارتباطات سیاسی، بازده سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد. این نتایج دلالت بر این دارد که ارتباطات سیاسی می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در زمینه سود نقدی و بازده‌های سهام، در نظر گرفته شود.

بادآور نهندی و تقی‌زاده خانقاه (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد و عملکرد شرکت، نشان دادند ارتباطات سیاسی بر سرمایه‌گذاری بیشتر از حد، تأثیر مثبتی داشته و بر عملکرد شرکت تأثیر منفی می‌گذارد.

محسنی (۱۳۹۷) در پژوهشی با بررسی ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان داد بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

مهربان‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته با نمونه‌ای متشکل از ۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۵ نشان دادند، روابط سیاسی به‌طور معنادار موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته می‌شود. همچنین، روابط سیاسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیرعادی به اشخاص وابسته ندارد.

کامیابی و شکریان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر مدیریت سود واقعی بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و ارتباطات سیاسی، نشان داد مدیریت سود واقعی با ارتباطات سیاسی رابطه مثبت و معنادار دارد، اما مدیریت سود تعهدی رابطه‌ای با ارتباطات سیاسی ندارد. همچنین، مدیریت سود واقعی اثری بر رابطه بین مدیریت سود تعهدی و ارتباطات سیاسی ندارد.

پلنگی و پورآقاجان سرحمامی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود، پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد، بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

همچنین، ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره تأثیری بر رابطه بین وجه نقد نگهداری شده و کیفیت سود ندارد.

رفیع‌زاده و برزگر (۱۳۹۵) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، ارتباطات سیاسی هیئت‌مدیره بر رابطه بین کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تأثیر معناداری دارد.

رضایی و افروزی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، نشان دادند بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، درحالی‌که هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر استقلال اعضای هیئت‌مدیره به صورت منفی و معنادار بود، اما هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر نقش دوگانه مدیرعامل قرار نگرفت.

داودی‌نصر و حبیبی (۱۳۹۴) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود واقعی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر مؤلفه‌های مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی اختیاری تأثیرگذار است. همچنین، ارتباطات سیاسی شرکت‌ها بر مؤلفه‌های مدیریت سود تأثیرگذار است.

چالشگری و جعفری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد و روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بین نگهداشت وجه‌نقد و کیفیت سود رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین، آنها رابطه‌ای بین روابط سیاسی شرکت و کیفیت سود پیدا نکردند. علاوه بر این، روابط سیاسی شرکت تأثیری بر رابطه بین نگهداشت وجه‌نقد و کیفیت سود نداشت.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی تأثیر روابط سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود بالا است، اما در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین، در شرکت‌هایی با ساختار مالکیت متمرکز، هزینه سهام عادی پایین و در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

رفیعی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی با بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه اهرم مالی با ترکیب هیئت‌مدیره در شرکت‌های دچار درماندگی مالی، نشان دادند چه در شرکت‌های سالم سیاسی و چه در شرکت‌های درمانده سیاسی، ترکیب هیئت‌مدیره هیچ تأثیری در سطح استفاده از اهرم مالی ندارد.

فرضیه پژوهش

با توجه به موارد ادبیات پژوهش فرضیه‌های پژوهش بدین ترتیب مطرح می‌شوند:

بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی هزینه نمایندگی بیشتری را تجربه می‌کنند.

کیفیت حسابرسی رابطه ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر توجه به زمان گذشته‌نگر، از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به نوع، پس‌رویدادی است. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری پژوهش هستند. دوره مورد مطالعه در این پژوهش از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به مدت ۵ سال است و به منظور جمع‌آوری

صحیح داده‌ها، همسانی بیشتر و افزایش قابلیت مقایسه در انتخاب نمونه، محدودیت‌های زیر در نمونه‌گیری، لحاظ شده است.

(۱) از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند؛ (۲) اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛ (۳) شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛ (۴) شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛ (۵) شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق بیشتر از ۶ ماه توقف فعالیت داشته باشند؛ (۶) سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۶۴۰ شرکت/ سال مربوط به ۱۲۸ شرکت انتخاب گردید. جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی ره آورد نوین استخراج شد. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی، به سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. همچنین، به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها، از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است.

مدل‌های پژوهش

مدل آماری به کار گرفته شده در پژوهش، مدل رگرسیونی چندمتغیره است. در این پژوهش، متغیر وابسته هزینه نمایندگی و متغیر مستقل ارتباطات سیاسی است. در ادامه، روش‌های محاسبه متغیرها تشریح شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های ۱ و ۲ استفاده خواهد شد (خان و همکاران، ۲۰۱۶).

$$AGCOST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 AGE_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \beta_5 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل ۱}$$

$$AGCOST_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 BIG_{i,t} + \beta_3 PCON * BIG_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 GWTH_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل ۲}$$

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر هزینه‌های نمایندگی (AGCOST) است. به پیروی از پژوهش خان و همکاران (۲۰۱۶) و انج و همکاران (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری آن از نسبت هزینه‌های عملیاتی به جمع فروش خالص شرکت استفاده می‌شود. این متغیر معیاری از افراط‌گرایی مدیریت در انجام مخارج اختیاری است و به‌عنوان معیار مستقیم هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود (بادآورنهدی و دادش‌زاده، ۱۳۹۴).

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، ارتباطات سیاسی (PCON) است. در پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیأت مدیره وابسته به دولت، مجلس و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامداران عمده (دارای حداقل ده درصد سهام دارای حق رای (دولتی و شبه دولتی، بیان شده است. مطابق با پژوهش‌های بوشمن و پتروسکی (۲۰۰۶)، خواجه‌وی و حسینی (۱۳۸۹)، محمود آبادی و نجفی (۱۳۹۲) و ساری و آنوگراه (۲۰۱۱) درصد مالکیت مستقیم یا نهادی دولت، به‌عنوان نماینده متغیر ارتباطات سیاسی از سمت دولت در نظر گرفته شده است.

جهت تعیین حداقل درصد مالکیت ممکن که بتواند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با سیاست‌های مالی و عملیاتی واحد تجاری اثرگذار باشد، تعریف استاندارد حسابداری شماره ۲۰ از "نفوذ قابل ملاحظه" مد نظر قرار گرفته شد. بر این اساس، اگر واحد سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحد تجاری فرعی) حداقل ۲۰ درصد از حق رای واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، مگر این که نبود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۹). بنابراین، تعریف عملیاتی متغیر ارتباطات سیاسی دولت عبارتست از درصد مالکیت مستقیم یا غیر مستقیم دولت و نهادهای دولتی در شرکت، در صورتی که بیش از ۲۰ درصد باشد، برابر یک و در غیر این صورت صفر، در نظر گرفته شد.

متغیرهای تعدیل کننده

متغیر تعدیل گر پژوهش حاضر کیفیت حسابرسی (BIG) است. به منظور اندازه گیری شاخص کیفیت حسابرسی، موسسات حسابرسی به دو گروه موسسات حسابرسی بزرگ و کوچک طبقه بندی شد. موسسات حسابرسی بزرگ در این پژوهش، سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی کوچک، موسسات خصوصی حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی است. این متغیر مجازی است که با مقدار صفر و یک نشان داده می شود. مقدار یک برای شرکت هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده و مقدار صفر برای شرکت هایی که سایر مؤسسات حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل خود، انتخاب نموده اند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲).

متغیر کنترلی

در این پژوهش به تبعیت از پژوهش خان و همکاران (۲۰۱۶) متغیرهای ذیل به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل ها وارد شدند.

سن شرکت (AGE) که برابر است با تعداد سال هایی که شرکت i در سال t در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است، اندازه شرکت (SIZE) که برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت i در سال t ، اهرم مالی (LEV) که برابر است با نسبت مجموع بدهی ها به مجموع دارایی های شرکت i در سال t و در نهایت، فرصت رشد (GWTH) که نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t ، است.

تجزیه و تحلیل داده ها

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش در نگاره ۱، ارائه شده است.

مطابق با نگاره ۱، به طور متوسط در نمونه مورد بررسی ۰/۴۱۸ از شرکت ها، از ارتباطات سیاسی برخوردار هستند. همچنین، میانگین ۰/۰۹۷ برای نسبت هزینه های عملیاتی به فروش خالص نشان می دهد، سهم هزینه های عملیاتی از فروش خالص مشاهدات مورد بررسی حدود ۱۰ درصد است. همچنین، یافته های توصیفی پژوهش نشان می دهند به طور متوسط ۰/۳۶۲

مشاهدات مورد بررسی، از خدمات سازمان حسابرسی استفاده نموده‌اند. مقدار انحراف معیار برای متغیرهای ارتباطات سیاسی، هزینه‌های نمایندگی و کیفیت حسابرسی به ترتیب ۰/۲۸۶، ۰/۱۰۸ و ۰/۴۷۶ است.

نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
ارتباطات سیاسی	۰/۴۱۸	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۸۶
هزینه نمایندگی	۰/۰۹۷	۰/۱۰۶	۰/۰۰۵	۱/۴۹۷	۰/۱۰۸
کیفیت حسابرسی	۰/۳۶۲	۰	۰	۱	۰/۴۷۶
سن	۱۸/۳۲۲	۱۷	۱	۴۸	۸/۷۲۵
اندازه	۱۴/۶۷۱	۱۴/۳۵۱	۱۰/۵۳۲	۱۹/۱۵۰	۱/۶۲۷
اهرم مالی	۰/۶۱۸	۰/۶۲۳	۰/۰۱۳	۰/۹۹۵	۰/۱۶۳
فرصت رشد	۲/۸۷۲	۲/۰۳۴	-۴۴/۰۸۶	۱۲۱/۴۴۶	۵/۶۵۶

آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص

در این پژوهش از آماره جاک-براک-برای جهت آزمون نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص مدل، استفاده شده‌است. در صورتی که آماره این آزمون در سطح خطای ۵ درصد معنادار باشد، اجزای اخلاص مدل از توزیع نرمال پیروی می‌کنند. همان‌گونه که در نگاره ۲ ملاحظه می‌شود، بررسی مقدار این آماره گویای آن است که فرض نرمال بودن اجزای اخلاص برقرار است.

نگاره (۲): نتایج آزمون نرمال بودن

مدل	آماره جاک-براک-برای	P-value	نتیجه آزمون
اول	۰/۱۲۵	۰/۷۶۱	H ₀ تأیید می‌شود (نرمال است)
دوم	۰/۱۱۲	۰/۷۲۹	H ₀ تأیید می‌شود (نرمال است)

تعیین روش بکارگیری داده‌های ترکیبی

قبل از تخمین مدل با استفاده از داده‌های ترکیبی، ابتدا باید مشخص شود که اصولاً نیازی به در نظر گرفتن ساختار داده‌های تابلویی وجود دارد، یا می‌توان داده‌های مربوط به شرکت‌های

مختلف را ادغام کرد. در برآورد تک معادله‌ای، برای اخذ تصمیم از آزمون F لیمر استفاده می‌شود.

آزمون F لیمر برای انتخاب روش ترکیبی یا تلفیقی

اغلب برای انتخاب بین مدل ترکیبی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأ را در برابر فرضیه مقابل آن، ناهمسانی عرض از مبدأ، بررسی می‌کند. به عبارت دیگر فرضیه صفر آزمون بیان می‌کند، تفاوتی میان ضرایب برآورد شده برای تک تک مقاطع و ضریب برآورد شده جمعی وجود ندارد و یا ضرورتی به برآورد مدل با استفاده از داده‌های تابلویی نیست.

نگاره (۳): نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی یا تلفیقی

مدل	آماره F	P-value	نتیجه آزمون
اول	۱۷/۱۰۹	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود
دوم	۱۷/۰۶۱	۰/۰۰۰	H_0 رد می‌شود

همان‌گونه که در نگاره ۳ دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در هر دو مدل فرض صفر آزمون رد شده و بنابراین باید از روش داده‌های تابلویی استفاده نمود. بنابراین، در مورد مدل‌ها بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است.

آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

همان‌طور که پیش از این ذکر شد در صورتی که نتیجه آزمون F لیمر، برآورد مدل به روش داده‌هایی تابلویی باشد، باید انتخاب بین روش اثرات ثابت و یا روش اثرات تصادفینیز بر اساس نتایج آزمون هاسمن نیز تعیین شود. فرضیه صفر در آزمون هاسمن، به برابری برآوردکننده هر دو روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و متغیر مجازی اشاره دارد. نگاره ۴ بیانگر آن است که ضمن رد فرضیه صفر در هر دو مدل، باید از روش اثرات ثابت جهت برآورد مدل‌های پژوهش، استفاده نمود.

نگاره (۴): نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	آماره χ^2	P-value	نتیجه آزمون
اول	۲۷/۳۸۴	۰/۰۰۰	رد می‌شود H_0
دوم	۲۷/۹۴۳	۰/۰۰۰	رد می‌شود H_0

آزمون ناهمسانی واریانس

در پژوهش حاضر برای بررسی وجود مشکل ناهمسانی واریانس از آزمون بروش-پاگان/کوک-ویسبرگ با استفاده از نرم افزار Stata استفاده شده است. مطابق با نگاره ۵، در تمامی مدل‌های رگرسیون پژوهش، ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

نگاره (۵): نتایج آزمون بروش-پاگان/کوک - ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس

مدل	آماره χ^2	P-value	نتیجه آزمون
			بروش-پاگان / کوک - ویسبرگ
اول	۱/۲۳۴	۰/۱۷۷	H_0 تأیید می‌شود
دوم	۱/۴۳۳	۰/۱۹۰	H_0 تأیید می‌شود

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند، بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه معنادار وجود دارد.

نگاره (۶): خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه اول

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	۰/۲۳۰	۳/۱۳۰	۰/۰۰۲	-----
ارتباطات سیاسی	۰/۰۲۶	۲/۴۵۵	۰/۰۱۴	۱/۳۸۵
سن	۰/۰۰۷	۴/۵۰۳	۰/۰۰۰	۱/۰۵۸
اندازه	-۰/۰۲۴	-۳/۱۷۶	۰/۰۰۱	۱/۴۲۷
اهرم مالی	۰/۰۲۶	۲/۱۸۷	۰/۰۳۰	۱/۰۵۴
فرصت رشد	-۰/۰۰۱	-۱/۸۷۸	۰/۰۳۹	۱/۰۱۱
آماره F	۱۶/۸۹۷	آماره دوربین واتسن		۲/۰۶۷
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین		۰/۴۲۸

با توجه به ستون آخر نگاره ۶ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد. بنابراین، مدل برازش شده، دارای اعتبار است. با توجه به احتمال آماره F می‌توان ادعا کرد در سطح معناداری ۹۵ درصد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. همچنین با توجه به ضریب تعیین مدل، می‌توان ادعا کرد حدود ۴۳ درصد از تغییرات در متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

ضریب برآوردی ارتباطات سیاسی در نگاره ۶ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی در سطح خطای ۵ درصد است. همچنین، عدم وجود خود همبستگی بین باقیمانده‌ها از طریق آزمون دورین- واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان‌دهنده فقدان خود همبستگی بین باقیمانده‌ها بود.

آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند، کیفیت حسابرسی، رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تعدیل می‌کند.

نگاره (۷): خلاصه نتایج آماری آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضرایب	آماره t	سطح معناداری	VIF
مقدار ثابت	۰/۳۰۷	۳/۱۹۳	۰/۰۰۱	-----
ارتباطات سیاسی	۰/۰۱۹	۲/۹۲۰	۰/۰۰۹	۱/۳۹۱
کیفیت حسابرسی	-۰/۰۰۷	-۲/۵۸۲	۰/۰۱۰	۱/۱۹۳
ارتباطات سیاسی* کیفیت حسابرسی	-۰/۰۱۰	-۲/۵۰۶	۰/۰۱۱	۱/۲۸۶
سن	۰/۰۰۵	۴/۵۶۰	۰/۰۰۰	۱/۰۷۳
اندازه	-۰/۰۲۵	-۳/۲۵۵	۰/۰۰۱	۱/۵۵۰
اهرم مالی	۰/۰۲۱	۲/۱۸۵	۰/۰۲۹	۱/۰۸۳
فرصت رشد	-۰/۰۰۳	-۱/۹۷۰	۰/۰۴۲	۱/۰۲۳
آماره F	۱۶/۴۷۰	آماره دورین واتسن		۲/۱۶۰
سطح معناداری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین		۰/۴۵۲

با توجه به ستون آخر نگاره ۷ مقدار آماره آزمون VIF برای کلیه متغیرهای مستقل نشان می‌دهد، بین متغیرهای مستقل همخطی وجود ندارد. بنابراین، مدل برازش شده دارای اعتبار است.

با توجه به احتمال آماره F می توان ادعا کرد، مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین مدل، می توان ادعا کرد حدود ۴۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل، توضیح داده شده است.

ضریب برآوردی متغیر حاصل ضرب ارتباطات سیاسی در کیفیت حسابرسی در نگاره ۷ نشان دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی در سطح خطای ۵ درصد است. به عبارتی، کیفیت حسابرسی رابطه مثبت بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تضعیف می کند. همچنین عدم وجود خودهمبستگی بین باقیمانده ها از طریق آزمون دوربین-واتسون مورد بررسی قرار گرفت که نشان دهنده فقدان خود همبستگی بین باقیمانده ها بود.

نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶، پرداخته شد. بنابراین، مطابق با ادبیات پژوهش دو فرضیه مطرح گردید.

نتایج پژوهش نشان می دهند، بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. مطابق با ادبیات پژوهش، ارتباطات سیاسی به عنوان یک منبع نامشهود باارزش می تواند به عنوان ابزاری کارآمد به مالکین کسب و کارهای بزرگ جهت دریافت قراردادهای دولتی و تأثیر بر سیاست گذاری ها به نفع کسب و کارشان کمک نماید (بانکانوانیچا و ویواتاناکانتانگ، ۲۰۰۸؛ خان و همکاران، ۲۰۱۶). به ویژه در اقتصادهای با درجه بالای عدم اطمینان در سیاست گذاری دولت و سازوکارهای قانونی ضعیف، این اهمیت بیشتر نمود پیدا می کند. بنابراین، ارتباطات سیاسی هیئت مدیره می تواند عدم اطمینان حاصل از محیط خارجی بنگاه را به وسیله دریافت رانت اطلاعاتی، دسترسی آسان به منابع و بهره مندی از تبصره ها و تخفیف های قانونی کاهش داده و احتمال بقاء بنگاه و عملکرد آن را افزایش دهد (عباس و همکاران، ۲۰۱۷؛ عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷؛ کیم و ژانگ، ۲۰۱۶؛ فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۶؛ کال و همکاران، ۲۰۱۵؛ وو و همکاران، ۲۰۱۲؛ فاسیو، ۲۰۱۰).

با وجود مزایای محتمل روابط سیاسی، محیط سازمانی بنگاه تمایل به تأثیر بر هزینه‌های نمایندگی دارد (چوی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بوبکری و همکاران، ۲۰۱۲). شلیفر و ویشنی (۱۹۹۴) بیان می‌کنند، شرکت‌های دارای روابط سیاسی با استفاده از رشوه به دنبال تأثیر بر سیاست‌یون هستند. همچنین، این بنگاه به منظور کسب سود از روابط خود ممکن است با مخفی‌کاری، موجب اشتباه سرمایه‌گذاران شوند (لوز و همکاران، ۲۰۰۳) و با تأثیر بر کنترل‌های داخلی، منافع سهامداران اقلیت را به خطر اندازند (لاپرتا و همکاران، ۲۰۰۰). علاوه بر این، بازرگانان دارای ارتباطات سیاسی به جهت مبادرت بیشتر به فساد مالی و نقض قوانین، بنگاه‌ها را بیشتر در معرض ریسک مصادره و افزایش هزینه‌های نمایندگی قرار داده (آلام و تیچر، ۲۰۱۰) و با سوءاستفاده از دارایی‌ها، اقدام به مبادلات مشکوک حزبی و انجام سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده در جهت منافع شخصی، هزینه‌های نمایندگی بنگاه را افزایش می‌دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج حاضر با پژوهش‌های خان و همکاران (۲۰۱۶)، بوبکری و همکاران (۲۰۱۲) و آلام و تیچر (۲۰۱۰) سازگار است.

همچنین یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی با توجه به نقش تعدیلی کیفیت حسابرسی وجود دارد. به بیان دیگر، کیفیت حسابرسی رابطه مثبت بین ارتباطات سیاسی و هزینه نمایندگی را تضعیف می‌کند. ادبیات پژوهش بیان می‌کند، کیفیت حسابرسی می‌تواند موجب کاهش تأثیر ارتباطات سیاسی بر هزینه‌های نمایندگی شود (خان و همکاران، ۲۰۱۶). شرکت‌های حسابرسی با سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین و به‌روز حسابرسی، استخدام افراد با تجربه و فراهم آوردن خدمات حسابرسی با کیفیت (فاسیو، ۲۰۰۴)، تحریف‌های موجود در گزارش‌های مالی را بررسی و گزارش خواهند کرد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). به‌ویژه موسسات حسابرسی بزرگ که به خاطر حفظ حسن شهرت خود، با مقاومت در برابر فشار مشتریان و حفظ استقلال کاری، علاوه بر گزارش تحریف‌های کشف شده، کیفیت حسابرسی را تضمین می‌نمایند (خان و همکاران، ۲۰۱۶؛ دی آنجلو، ۱۹۸۱).

فن و وانگ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، کیفیت حسابرسی در بازارهای فاقد محیط‌های نهادی قوی، می‌تواند نقش نظارت بیرونی مهمی را ایفاء نماید، به‌ویژه در بازارهای نوظهور که از حاکمیت شرکتی قوی برخوردار نیستند و خطر اقدامات منفعت‌طلبانه سهامداران کنترلی وجود دارد.

حسابرسان مستقل خارجی، به ویژه شرکت‌های بزرگ حسابرسی که استانداردهای حسابرسی بین‌المللی را دنبال می‌کنند و بر ارتقاء تخصص خود تمرکز دارند، می‌توانند نقصان‌های حاکمیت شرکتی را پر کرده و به عنوان یک ناظر قابل اعتماد بر سهامداران نهادی، انجام وظیفه نمایند و هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهند (خان و همکاران، ۲۰۱۶). نتایج حاضر با پژوهش‌های خان و همکاران (۲۰۱۶) و فن و وانگ (۲۰۰۵) سازگار است. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- انجام این پژوهش کمکی به سهام‌داران و تحلیل‌گران مالی بوده تا از آثار ارتباطات سیاسی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران آگاهی یافته و در سرمایه‌گذاری و تجزیه و تحلیل‌های خود به منظور کاهش اشتباه در تصمیم‌گیری، توجه بیشتری داشته باشند.
- به نهادهای قانون‌گذار و نظارتی پیشنهاد می‌شود، با اتخاذ تدابیری از طریق به کارگیری راهبردهایی برای افزایش نظارت و کاهش هزینه نمایندگی جهت افزایش شفافیت و پاسخگویی بیشتر بنگاه‌های دارای ارتباطات سیاسی، کمک نمایند.
- به مجامع عمومی صاحبان سهام پیشنهاد می‌شود تا حد امکان از انتخاب مدیران سیاسی برای پست مدیریت ارشد خودداری شود.
- به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، برای رونق اقتصاد بخش خصوصی، تا حد امکان انتخاب مدیران سیاسی را در پست‌های مدیریت ارشد محدود کند و سازوکارهای نظارتی ویژه‌ای را برای اقدامات این مدیران در نظر بگیرد.
- پیشنهاد می‌گردد سازمان بورس اوراق بهادار تهران و جامعه حسابرسان رسمی، نظارت و توجه بیشتری به فرآیند گزارشگری مالی و حسابرسی شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی داشته باشند.

علاوه بر این، با توجه به نتایج پژوهش و سوالاتی که طی انجام آن برای پژوهشگران مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آنها پرداخته شد. بنابراین، به نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در این خصوص فراهم آورد.
- در پژوهش حاضر متغیرهای پژوهش در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۲۸ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین، بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی تر و با نمونه بزرگ تر می‌تواند مفید باشد.

منابع

- Abbas, A. , Khwaja, A. I. , Khan, A. Q. , & Singhal, M. (2017). Pilot Study on Effect of Political Influence on Tax Payment Compliance. *International Growth Centre (IGC)*. .
- Abdul Wahab, E. A. , Ariff, A. M. , Madah Marzuki, M. , & Mohd Sanusi, Z. (2017). Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 25 (3) , 424-451.
- Adhikari, A. , Derashid, C. , & Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25 (5) , 574-595.
- Agrawal, A. , and Knoeber, C. R. (2001). Do some outside directors play a political role?. *Journal of Law and Economics*, 44 (1) , 179-198 .
- Alam, Q. , & Teicher, J. (2010, April). State of governance in a transitional democracy: the case of Bangladesh. In *14th IRSPM Conference, Berne, Switzerland* (pp. 7-9) .
- Ang, J. S. , Cole, R. A. , & Lin, J. W. (2000). Agency costs and ownership structure. *the Journal of Finance*, 55 (1) , 81-106.
- Badavar Nahandi, Y. , & dadashzade, G. (2015). The Relationship between Agency Costs and Stock Mispricing with Emphasis on the Role of Intermediate Compensation of the Board. *Journal of Financial Management Strategy*, 3 (4) , 51-71 (In Persian).
- Badavar Nahandi, Y. , & Taghizadeh Khanqah, V. (2018). The Impact of Political Connections on Overinvestment and Firm Performance. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 25 (2) , 181-198 (In Persian .)
- Bartels, L. M. , & Brady, H. E. (2003). Economic behavior in political context. *American Economic Review*, 93 (2) , 156-161.
- Bencheikh, F. , & Taktak, N. B. (2017). The Effect of Political Connections on the Firm Performance in a Newly Democratised Country. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 8 (4) , 40-46 .

- Bertrand, M. , Kramarz, F. , Schoar, A. , & Thesmar, D. (2018). The cost of political connections. *Review of Finance*, 22 (3) , 849-876.
- Bliss, M. A. , & Gul, F. A. (2012). Political connection and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking & Finance*, 36 (5) , 1520-1527.
- Boubakri, N. , Guedhami, O. , Mishra, D. , & Saffar, W. (2012). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of corporate finance*, 18 (3) , 541-559.
- Bunkanwanicha, P. , & Wiwattanakantang, Y. (2008). Big business owners in politics. *The Review of Financial Studies*, 22 (6) , 2133-2168.
- Bushman, R. M. , & Piotroski, J. D. (2006). Financial reporting incentives for conservative accounting: The influence of legal and political institutions. *Journal of accounting and economics*, 42 (1-2) , 107-148.
- Chaleshgari, A. & Gafari, A. (2016). Investigating the effect of holding cash and company's political relations on the quality of earnings in listed companies in Tehran Stock Exchange. The first international accounting and management conference in the third millennium, Rasht (In Persian .)
- Chaney, P. K. , Faccio, M. , & Parsley, D. (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of accounting and Economics*, 51 (1-2) , 58-76.
- Chowdhury, F. D. (2009). Problems of women's participation in Bangladesh politics. *The Round Table*, 98 (404) , 555-567.
- Choy, H. , Gul, F. A. , & Yao, J. (2011). Does political economy reduce agency costs? Some evidence from dividend policies around the world. *Journal of Empirical Finance*, 18 (1) , 16-35.
- Claessens, S. , Feijen, E. , & Laeven, L. (2008). Political connections and preferential access to finance: The role of campaign contributions. *Journal of financial economics*, 88 (3) , 554-580.
- Cull, R. , Li, W. , Sun, B. , & Xu, L. C. (2015). Government connections and financial constraints: Evidence from a large representative sample of Chinese firms. *Journal of Corporate Finance*, 32, 271-294.
- Davoudi Nasr, M. and Habibi, F. (2016). Investigating the Effect of Political Relationships on True Profit Management and Accrual Based Accrual Management in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. International Conference on Management and Social Sciences, Dubai (In Persian .)
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of accounting and economics*, 3 (3) , 183-199.
- Ding, S. , Jia, C. , Wilson, C. , & Wu, Z. (2015). Political connections and agency conflicts: the roles of owner and manager political influence on executive compensation. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 45 (2) , 407-434.
- Faccio, M. (2006). Politically connected firms. *American economic review*, 96 (1) , 369-386.
- Faccio, M. (2010). Differences between politically connected and nonconnected firms: A cross-country analysis. *Financial management*, 39 (3) , 905-928.

- Fan, J. P. , & Wong, T. J. (2005). Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia. *Journal of accounting research*, 43 (1) , 35-72.
- Fan, J. P. , Wong, T. J. , & Zhang, T. (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and Post-IPO performance of China's newly partially privatized firms. *Journal of financial economics*, 84 (2) , 330-357.
- Francis, B. B. , Hasan, I. , Sun, X. , & Wu, Q. (2016). CEO political preference and corporate tax sheltering. *Journal of Corporate Finance*, 38, 37-53.
- Goldman, E. , Rocholl, J. , & So, J. (2013). Politically connected boards of directors and the allocation of procurement contracts. *Review of Finance*, 17 (5) , 1617-1648.
- Gul, F. A. (2006). Auditors' response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44 (5) , 931-963.
- Hassan, T. , Kabir Hassan, M. , Mohamad, S. , & Chaw Min, C. (2012). Political patronage and firm performance: Further evidence from Malaysia. *Thunderbird International Business Review*, 54 (3) , 373-393.
- Hillman, A. J. (2005). Politicians on the board of directors: Do connections affect the bottom line?. *Journal of Management*, 31 (3) , 464-481.
- Johnson, S. , & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: evidence from Malaysia. *Journal of financial economics*, 67 (2) , 351-382.
- Kamiabi, Y. and Shokriani, M. (2016). The Effect of Real Profit Management on the Relationship between Accrual Management and Political Communication. Fourth International Conference on Economics, Accounting and Management, Kuala Lumpur, Malaysia (In Persian).
- KHAJAVI, S. E. , & HOSSEINI, S. H. (2010). Capital Structure and Political Patronage in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 2 (1) , 67-84 (In Persian).
- Khan, A. , Mihret, D. G. , & Muttakin, M. B. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4) , 357-374.
- Khwaja, A. I. , & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *The Quarterly Journal of Economics*, 120 (4) , 1371-1411.
- Kochanek, S. A. (1996). The rise of interest politics in Bangladesh. *Asian Survey*, 36 (7) , 704-722.
- Kusnadi, Y. , & Wei, K. J. (2011). The determinants of corporate cash management policies: Evidence from around the world. *Journal of Corporate Finance*, 17 (3) , 725-740.
- La Porta, R. , Lopez-de-Silanes, F. , Shleifer, A. , & Vishny, R. (2000). Investor protection and corporate governance. *Journal of financial economics*, 58 (1-2) , 3-27.
- Lee, W. , & Wang, L. (2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48 (3) , 643-676.
- Leuz, C. , & Oberholzer-Gee, F. (2003). *Corporate transparency and political connections*. Office of Research, Singapore Management University.

- Li, S. , Wu, H. , & Jiang, X. (2018). Rent-seeking and firm value: Chinese evidence. *Business and Politics*, 20 (2) , 239-272.
- Maaloul, A. , Chakroun, R. , & Yahyaoui, S. (2018). The effect of political connections on companies' performance and value: Evidence from Tunisian companies after the revolution. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8 (2) , 185-204.
- Mahmoudabadi, H. & Najafi, Z. (2015). The role of corporate transparency in determining the relationship between government political support and the performance of the companies listed on Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting*, 6 (18) , 57-71 (In Persian .(
- Mehrabanpour, M. , Jandaghi Ghomi, M. , & Mohammadi, M. (2017). Political connections and abnormal transactions by related parties. *Valued and Behavioral Accountings Achievements*, 2 (3) , 147-168 (In Persian .(
- MOHSENI, A. (2018). Political connections and the cost of equity capital in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Engineering and Securities Management*, 9 (34) , 273-291 (In Persian .(
- Muttakin, M. B. , Monem, R. M. , Khan, A. , & Subramaniam, N. (2015). Family firms, firm performance and political connections: Evidence from Bangladesh. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (3) , 215-230.
- Nikomaram, H. , BaniMahd, B. , Rahnamaie Roodposhti, F. And Kayyai, A. (2012). Economics based on relationships, political relations and quality of accruals. *Audit Knowledge*, 6 (18) , 56-43 (In Persian .(
- Nikoumaram, H. and Ahmadzadeh, H. (2012). Investigating the relationship between the quality of accounting information and the choice of the type of auditor in the companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Quantitative studies in management*, 4 (4) , 154-135 (In Persian .(
- Palangi, G.& Pouraghgan Sarhamami, A. (2017). Investigating the Effect of the Political Relationship of the Board on the Relationship between Cash and Profit Quality. *International Conference on Management and Accounting*, Tehran (In Persian .(
- Pfeffer, J. , & Salancik, G. R. (2003). *The external control of organizations: A resource dependence perspective*. Stanford University Press.
- Qu, J. , Cao, J. , Wang, X. , Tang, J. , & Bukenya, J. O. (2017). Political connections, government subsidies and technical innovation of wind energy companies in China. *Sustainability*, 9 (10) , 1-13 .
- Rafinia, M. (2014). The Impact of Political Relationship on the Relationship of Financial Leverage with the Combination of the Board of Directors in Financially Eligible Companies. *International Conference on Accounting, Economics and Financial Management*, Tehran (In Persian .(
- Rafizadeh, H. and Barzegar, G. (2017). Investigating the Effect of the Political Relationship of the Board on the Relationship between Audit Committees and Audit Fees of Companies Accepted in the Stock Exchange of Tehran.

International Business Conference: Opportunities and Challenges, Rasht (In Persian).(

- RAHNAMAY, R. F. , & MOHSENI, A. (2018). Political connections, dividend and stock return in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 11 (38) , 129-144 (In Persian).(
- Rezaei, F. , & Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21 (4) , 449-470 (In Persian).(
- Rezaei, F. and Afrouzi, L. (2015). The Relation between Cost of Debt and Corporate Governance in Firms with Political Connections. *Journal of Accounting Researches*, 5 (1) , 85-112 (In Persian).(
- Saeed, A. , Belghitar, Y. , & Clark, E. (2016). Do political connections affect firm performance? Evidence from a developing country. *Emerging Markets Finance and Trade*, 52 (8) , 1876-1891.
- Sari, R. N. , & Anugerah, R. (2011). The Effect of Political Influence and Corporate Transparency. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 7 (8) , 773-783 .
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1994). Politicians and firms. *The Quarterly Journal of Economics*, 109 (4) , 995-1025.
- Shleifer, A. , & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52 (2) , 737-783.
- TIB. (2000). Corruption in Public Service Departments. Transparency International Bangladesh, Available at <http://www.ti-bangladesh.org> .
- Uddin, S. , & Choudhury, J. (2008). Rationality, traditionalism and the state of corporate governance mechanisms: Illustrations from a less-developed country. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21 (7) , 1026-1051.
- Uddin, S. , & Hopper, T. (2003). Accounting for privatisation in Bangladesh: testing World Bank claims. *Critical perspectives on accounting*, 14 (7) , 739-774.
- Wang, Z. , Chen, M. H. , Chin, C. L. , & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy*, 36 (2) , 141-162.
- World Bank (2009). Bangladesh: corporate governance country assessment. Report on the observance of standards and codes (ROSC).(
- Wu, W. , Wu, C. , Zhou, C. , & Wu, J. (2012). Political connections, tax benefits and firm performance: Evidence from China. *Journal of Accounting and Public policy*, 31 (3) , 277-300.
- Young, M. N. , Peng, M. W. , Ahlstrom, D. , Bruton, G. D. , & Jiang, Y. (2008). Corporate governance in emerging economies: A review of the principal-principal perspective. *Journal of management studies*, 45 (1) , 196-220 .